

مهدی سودانی: مطالعه‌ای براساس نظریه رهبری کاریزماتیک وبر و تحلیل گفتمان

راحله محمدباقر*

گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

چکیده

محمد احمد بن عبدالله، معروف به مهدی سودانی در سال ۱۸۸۱م، با ارسال نامه‌هایی برای اعیان و رؤسای قبایل سودان، دعوی مهدویت کرد و به‌عنوان رهبر نهضت مهدیون مطرح شد. جنبش وی با تعلیم تصوف و طریقت‌های صوفیانه با گرایش‌های سیاسی و اجتماعی همراه بود. وی با تکیه بر ویژگی‌های شخصی به‌عنوان، رهبری مذهبی و مبارزی سیاسی سبب تغییر ارزش‌های پیروان و همگرایی آنان با خود شد و توانست با بهره‌گیری از سخنرانی‌های آتشین، وعده‌های آزادی به توده مردم و امید به آینده‌ای بهتر، زمینه اعلام مهدویت در سودان را فراهم کند. مسئله اصلی این پژوهش تبیین شخصیت سودانی، در قالب نظریه کاریزماتیک ماکس وبر است. افزون بر ویژگی‌های شخصیتی وی، بحران یا شرایط اجتماعی و سیاسی سودان نیز می‌توانسته زمینه‌ساز ظهور رهبری کاریزماتیک با ایدئولوژی مهدویت باشد. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که سودانی با تمام ویژگی‌های فردی با انجام برخی اقدامات و با توجه به جریان مهدویت و طرح گفتمان جدید برای حل بحران‌های سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه و درنهایت انتخاب خلفا و جانشینان پس از خود، می‌تواند به‌عنوان رهبر کاریزماتیک در شکل‌گیری جنبش مهدیون، مطرح شود. روش تحقیق در این پژوهش با توجه به رویکرد جامعه‌شناختی آن، در چارچوب نظریه کاریزما توصیفی و تحلیلی، متکی بر منابع دست اول تاریخی و داده‌های کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: مهدی سودانی، سودان، مهدویت، کاریزما، ماکس وبر.

۱. مقدمه

ورود اسلام به سودان برخلاف بسیاری از مناطق دیگر جهان اسلام، با الگوی کلاسیک فتح و حکومت‌گری همراه نبود، بلکه عمدتاً از طریق فعالیت‌های تجاری بازرگانان مسلمان، به‌ویژه از کشورهای مراکش، یمن و مصر به‌طور تدریجی صورت گرفت. این فرایند تدریجی و صلح‌آمیز زمینه را برای آمیختگی عمیق اسلام با فرهنگ و باورهای بومی سودان فراهم کرد. به‌واسطه این تعامل فرهنگی، اسلام در سودان به شکلی مردمی و خودجوش گسترش یافت و به جای آنکه به‌عنوان یک دین تحمیلی از بالا به پایین معرفی شود، به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت و فرهنگ مردم این سرزمین پذیرفته شد. یکی از ویژگی‌های بارز اسلام در سودان، تأکید بر تصوف و اعتقاد به اولیا و مشایخ است. صوفیان با تأکید بر عشق، معرفت و تقرب به خداوند، توانستند به خوبی با روحیات و نیازهای معنوی مردم سودان ارتباط برقرار کنند. در نتیجه، بسیاری از مردم این سرزمین به طریقت‌های صوفیانه پیوستند و به این ترتیب، اسلام در این کشور رنگ و بوی عرفانی به خود گرفت (هاشمی‌نسب، ۱۳۹۲، صص. ۱۰۴-۱۰۵).

با تسلط ترکان عثمانی بر مصر در سال ۱۵۱۷م، سلطان سلیم اول (۱۵۲۰-۱۵۱۲م) به منظور تثبیت قدرت، کوشید تا دره‌های نیل علیا را به کنترل خود درآورد. از این رو سربازان ترک بالکان، رهسپار پادگان‌های نظامی آنجا شدند و اندکی بعد حکومت مسلمانان سودان به مرکزیت سنار شکل گرفت که تا اوایل قرن ۱۹م تداوم داشت. اما در سال ۱۸۲۰م با وقوع جنبش محمدعلی پاشای مصری (۱۷۶۹-۱۸۴۹م)، که سراسر مصر و سپس متصرفات مصر و انگلیس را تصرف کرد، تاریخ سودان نیز دستخوش تحولات اساسی شد و از سال ۱۸۲۱م تحت سلطه حکومت مصر قرار گرفت. این زمان تجارت عاج و طلا رایج شد و برده‌گیری و چپاول توسط اروپاییان در سطح گسترده‌ای تا سال ۱۸۸۰م توسعه یافت. در نتیجه این شرایط سودان دچار عدم ثبات سیاسی و اجتماعی شد و مردم ناراضی از شرایط، در پی یک تغییر اساسی و بنیادی برآمدند که به رهبری مهدی سودانی شکل گرفت (مارتین، ۱۳۶۵، ص. ۲۷). عواملی همچون ظلم و ستم استعمارگران خارجی و حاکمان محلی، نارضایتی مردم از اوضاع اجتماعی و اقتصادی، ناامیدی از وضعیت موجود و امید به آینده‌ای بهتر به شکل‌گیری و توفیق جنبش مهدیون در سودان منجر شد.

مورخان، سودانی را شخصیتی پیچیده و چندوجهی توصیف کرده‌اند. ارتباط ویژه وی با اسلام که خود را برگزیده از سوی خدا می‌دانست، سبب شد تا از مهدویت برای جذب رهبران دینی و سیاسی بهره‌برداری کند. او هم‌زمان یک رهبر مذهبی و یک مبارز سیاسی بود که توانست با بهره‌گیری از سخنرانی‌های آتشین، وعده‌های آزادی به توده مردم و امید به آینده‌ای بهتر، آن‌ها را به خود جذب و زمینه اعلام مهدویت در

سودان را فراهم کند. گرچه پیروان وی با خاستگاه و انگیزه‌های متفاوت به این جنبش پیوستند، اما آنچه سبب اطاعت‌پذیری و همگرایی آنان شد، نفوذ کلام و خصوصیات فردی سودانی بود. این پژوهش با توجه به نقش کاریزمای رهبران سیاسی در بقا و دوام جنبش‌ها، با روش توصیفی - تحلیلی از طریق منابع دست اول تاریخی و داده‌های کتابخانه‌ای در چارچوب نظریه کاریزما، شخصیت و تلاش مهدی سودانی را در این خصوص بررسی خواهد کرد. بر این اساس پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ به این پرسش اصلی است که آیا بر مبنای نظریه کاریزماتیک ماکس وبر و با توجه به شرایط بحرانی سودان از یک سو و ویژگی‌های شخصیتی و چگونگی عملکرد مهدی سودانی از سوی دیگر، می‌توان شخصیت و عملکرد وی را در قالب یک رهبر کاریزما مطرح کرد؟

فرضیه تحقیق بر آن است که طبق شاخص‌های رهبر کاریزماتیک در نظریه اقتدار کاریزمایی وبر و با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و عملکرد سودانی، می‌توان وی را در قالب یک رهبر کاریزما در نظر گرفت. او دارای ویژگی‌های شخصیتی استثنایی، توانایی جذب پیروان و بسیج توده‌ها و ارائه یک چشم‌انداز جدید بود.

با استناد به منابع و تحقیقات به عمل آمده، تاکنون درباره شکل‌گیری و خاستگاه جنبش سودانی تحقیقات و پژوهش‌های گسترده‌ای به زبان فارسی صورت نگرفته است و منابع دانشگاهی و رسمی، چندان به بررسی دقیق زندگی و فعالیت‌های او نپرداخته‌اند و تنها از لابه‌لای برخی متون تاریخی، می‌توان اطلاعاتی پراکنده به دست آورد. در این میان پژوهش‌هایی مرتبط با موضوع، که هریک جنبه‌هایی از جنبش مهدیون را مورد توجه قرار داده‌اند، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. برای نمونه؛ فارس مُطْعَب المِطیری (۲۰۲۳)، در پژوهشی علاوه بر تأیید جنبه‌های دینی جنبش مهدیون، به ابعاد سیاسی این جنبش و ایجاد دولت اسلامی در قرن نوزدهم در سودان پرداخته است. کاظمی راد و مقری (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای به بررسی خاستگاه پیدایش جنبش مهدی‌گرایانه سودانی پرداخته‌اند. لیدوین کپتینز (۱۹۸۵)، با تمرکز بر ایدئولوژی مهدی، آن را یک جنبش دینی و آخرالزمانی توصیف کرده است. در مطالعه‌ای دیگر، جان وُل (۱۹۷۹)، مهدی سودانی را بنیان‌گذار یک حزب دینی - سیاسی در جهان سوم معرفی کرده که شورش آفریقایی علیه سلطه بیگانگان را رهبری می‌کند و در آخر نتیجه می‌گیرد که بنیادگرایی اسلامی مبنای مبارزه پیروان این جنبش با بیگانگان بوده است. جان هنریک کلارک (۱۹۶۱)، در تحقیق دیگری بر این باور است که محبوبیت مهدی ناشی از تقوا و زهد او بوده و دلیل اصلی احترام پیروانش به او، همین موضوع بوده است. پی. ام. هولت (۱۹۵۸)، که تحقیقات متمرکز و گسترده‌تری درباره این جنبش انجام داده است؛ در مقاله‌ای

عنصر دین را اساس جنبش محمد احمد دانسته و معتقد است که وی در مراحل نهایی سیر عرفانی خود، به‌وضوح به این باور رسید که همان «مهدی موعود» است. وی احساسات دینی را محرک اصلی این جنبش علیه حاکمیت مصر در سودان قلمداد کرده است. با مرور بر این پژوهش‌ها، مقاله حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی و روشمند مبتنی بر چارچوب نظری به بررسی شخصیت و کارنامه محمداحمد؛ معروف به مهدی سودانی به‌عنوان رهبر مهدیون در سودان بر مبنای نظریه کاریزماتیک ماکس وبر پرداخته است. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی - تحلیلی از طریق منابع دست اول تاریخی و داده‌های کتابخانه‌ای است و در دو مرحله؛ جمع‌آوری داده‌های معتبر تاریخی و سپس دسته‌بندی و تحلیل این مطالب در چارچوب نظریه کاریزما و شناسایی ابعاد شخصیت فردی، سیاسی و تاریخی وی در قالب این نظریه انجام گرفته است. برای پاسخ به سؤالات پژوهش، با مرور بر چارچوب نظری مشروعیت کاریزمایی و تطبیق جوانب آن با نمونه مورد بحث به بررسی لوازم این تطبیق پرداخته شده است.

۲. مباحث نظری

۲-۱. عوامل شکل‌گیری کاریزما

مسئله مشروعیت قدرت، همواره از مباحث اساسی در جامعه‌شناسی سیاسی بوده است. ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰م) جامعه‌شناس آلمانی به تحلیل دولت و رابطه پیچیده آن با جامعه علاقه داشت و بر چگونگی مشروعیت قدرت متمرکز شده بود (ترنر، ۱۳۷۹، ص. ۴۰). وبر سه نوع سلطه مشروع را از یکدیگر متمایز می‌کند: سلطه سنتی که در عرف و سنت‌های تاریخی ریشه دارد؛ سلطه قانونی - عقلانی که براساس نظام‌های بوروکراتیک و قوانین نوشته‌شده عمل می‌کند؛ و نهایتاً سلطه کاریزماتیک که بر پایه باور و ایمان قلبی مردم به ویژگی‌های استثنایی یک فرد بنا می‌شود (Weber, 1947, pp. 324-329). از نظر وبر، سلطه کاریزماتیک نیروی انقلابی و محرک دگرگونی‌های اجتماعی است، چراکه توانایی جایگزین کردن هنجارها و ارزش‌های نوین را به جای ساختارهای سنتی دارد (آشوری، ۱۳۵۸، ص. ۸۸، Vries, 1999, pp. 109-133).

۲-۲. ویژگی‌های رهبر کاریزماتیک

رهبر کاریزماتیک از ویژگی‌هایی فراتر از صفات معمول انسانی برخوردار است؛ ویژگی‌هایی چون نفوذ، اقتدار، جذابیت جسمانی، قدرت تحمل، اعتماد به نفس، درک نیاز دیگران که وی را از سایر افراد متمایز و

پیروانش را به اطاعات از او ترغیب می‌کند (Weber, 1947, pp. 359-360؛ عابدی جعفری، ۱۳۷۳، ص. ۱۴۷).

۲-۳. وضعیت بحران: زمینه‌های سیاسی - اجتماعی ظهور رهبر کاریزماتیک

صرف ویژگی‌های رهبر کاریزما و وجود برخی صفات در او، که بایستی از سوی پیروان مورد پذیرش قرار گیرد، به‌تنهایی کافی نیست، بلکه سلطه کاریزمایی برای مشارکت و گرایش پیروان، حول محور یک فرد به‌عنوان رهبر، به عاملی فراتر از باور نیاز دارد.

وبر تأکید می‌کند که سلطه کاریزماتیک اغلب در شرایط خاص و بحرانی مجال بروز می‌یابد. در وضعیت‌هایی که جامعه با بحران‌های عمیق اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی مواجه است، مردم در جست‌وجوی یک نجات‌دهنده‌اند که بتواند با قدرت و تدبیر، وضعیت موجود را دگرگون کند (Weber, 1947, p. 370). بنابراین در شرایطی که مردم به دنبال تغییر و تحول سریع در نظام سیاسی - اجتماعی‌اند، این رهبران کاریزما هستند که با درک شرایط و توان مدیریت بحران‌ها و رفع نگرانی‌های مردم می‌توانند این مسائل را حل و فصل کنند (Willner, 1984, p. 43). شرایطی مانند: بی‌ثباتی، گسترش اعتراضات مردمی، ضعف نهادهای سیاسی و اجتماعی فرصتی مغتنم برای حضور رهبرانی در صحنه با انگیزه‌های قوی و انجام اقدامات تعیین‌کننده است (جلایی‌پور و فولادیان، ۱۳۸۷، ص. ۱۳).

۲-۴. افول کاریزماتیک

با این حال، سلطه کاریزماتیک ماهیتی ناپایدار دارد. وبر بر این باور است که در بلندمدت، این نوع سلطه به سمت نهادینه‌شدن حرکت می‌کند. به عبارت دیگر، زمانی که یک رهبر کاریزماتیک دیگر نتواند پیروان خود را تحت تأثیر قرار دهد و آن‌ها را به دنبال خود بکشد، می‌توان گفت که کاریزمای او در حال افول است (بندیکس، ۱۳۸۲، ص. ۳۲۹).

۲-۵. جانشینی کاریزماتیک

زمانی که رهبر دیگر قادر به ارائه الگوهای الهام‌بخش نباشد یا نتواند خواسته‌های پیروان را پاسخ دهد، فرایند فروکاست کاریزما در اشکال سلطه سنتی یا قانونی آغاز می‌شود. در همین راستا، مسئله جانشینی رهبری کاریزماتیک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجا که کاریزما بر ویژگی‌های منحصر به فرد رهبر

استوار است، جانشینی او می‌تواند با دشواری‌هایی همراه باشد. ویرانه‌های انتقال قدرت رهبر کاریزماتیک پس از مرگش را از طریق جست‌وجوی رهبری جدید با ویژگی‌های مشابه رهبر پیشین، تعیین جانشین توسط خود رهبر و پذیرش آن از سوی پیروان و انتصاب جانشین توسط دستگاه کاریزماتیک پیشنهاد می‌کند (Weber, 1947, pp. 367-368). نکته مهم در همه این شیوه‌ها حرکت کاریزما به سوی عادی شدن است (ویر، ۱۳۸۲، ص. ۳۳۷).

۳. بحث تاریخی

۳-۱. وضعیت سودان در آستانه ظهور مهدی سودانی

شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر سودان در قرن نوزدهم، به‌ویژه برای درک شکل‌گیری و تداوم جنبش مهدیون توجه پژوهشگران بسیاری را به خود جلب کرده است. سودان از سال ۱۸۲۱م، تحت سلطه حکومت مصر قرار گرفت. پیش از آن، تحت حاکمیت حکام مختلفی بود که از سوی ترکان عثمانی منصوب می‌شدند و درگیری‌های متعددی با یکدیگر داشتند. این مسئله سبب آشوب فراگیر در سراسر کشور شد. بنابراین خلأ امنیتی ناشی از این درگیری‌ها، به محمدعلی پاشا فرمانروای مصر، فرصت داد تا در سال ۱۸۲۱م، سودان را اشغال کند. انگیزه‌های وی برای تصرف سودان، عمدتاً اقتصادی بود. علاوه بر این، برده‌گیری و چپاول توسط اروپاییان نیز در سطح گسترده‌ای تا سال ۱۸۸۰م توسعه یافت. حضور بریتانیا در سودان با در نظر گرفتن دو عامل به‌هم‌پیوسته؛ نخست، رقابت استعماری گسترده میان قدرت‌های اروپایی در قاره آفریقا، به‌ویژه میان بریتانیا و فرانسه در شمال آفریقا که به دخالت این دولت‌ها در امور داخلی کشورها برای تحقق اهداف استعماری‌شان منجر شد؛ از جمله اشغال تونس توسط فرانسه در سال ۱۸۸۱م و تصرف مصر توسط بریتانیا در سال ۱۸۸۲م و دوم، گسترش نفوذ بریتانیا در سودان با تکیه بر شعار مبارزه با برده‌داری بود (Holt, 1963, p. 66؛ المطیری، ۲۰۲۳، ص. ۷۵۷). در چنین شرایطی عواملی همچون سوءمدیریت حکومت، وضع مالیات‌های سنگین و ناعادلانه، ظلم و ستم استعمارگران خارجی، نارضایتی مردم از اوضاع اجتماعی و اقتصادی، ناامیدی از وضعیت موجود و امید به آینده‌ای بهتر به شکل‌گیری و توفیق جنبش مهدیون در سودان منجر شد.

۳-۲. موقعیت کاریزماتیک مهدی سودانی

۳-۲-۱. نسب

محمد احمد بن عبدالله، معروف به مهدی سودانی، در سال ۱۸۴۳م/۱۲۶۰ق در شهر «دُنُقْلَا»^۲ (جزیره لباب، در کنار رود نیل) در خانواده‌ای مذهبی و بی‌بضاعت که به کار کشتی‌سازی اشتغال داشتند، به دنیا آمد. از ویژگی‌هایی که از همان ابتدا سبب شکل‌گیری باورهای کاریزمایی درباره شخصیت او در بین مردم سودان شد، نسبش بود، زیرا متعلق به خانواده‌ای از سادات و معروف به شریف بودند که سلسله نسبشان را از طریق امام حسن مجتبی (ع) به پیامبر اکرم (ص) می‌رساندند (Holt, 1970, p. 45). این موضوع سبب شد تا از همان ابتدا اعتبار و جاذبه‌ای برای او در جامعه شکل بگیرد.

۳-۲-۲. پیشینه مذهبی

علاوه بر نسب، شخصیت مذهبی وی و خانواده‌اش در گرایش مردم نسبت به او اثرگذار بود. نام پدرش عبدالله و مادرش آمنه، نشان می‌دهد که وی در خانواده‌ای مذهبی دنیا آمده است. جزئیات این اسامی برای مسلمانان^۳ از آنجا اهمیت دارد که در یکی از قدیم‌ترین روایات منسوب به پیامبر اکرم (ص)، مهدی موعود همنام پیامبر و پدرش همنام پدر پیامبر است (حرعاملی، ۱۴۲۵، ج. ۵/ ص. ۲۳۸). بنابراین این ویژگی، وی را به‌عنوان شخصیتی مرتبط با رستاخیز و منادی پایان دوران معرفی کرد که ظهورش نشانه‌ای از نزدیکی پایان جهان تعبیر می‌شد. وی پس از پشت‌سر گذاشتن تعلیمات مقدماتی و خواندن و نوشتن قرآن، در دوازده سالگی حافظ قرآن شد و پس از مرگ پدرش در همان سال، برادرانش با مشاهده علم‌اندوزی در او، اسباب تحصیلش را نزد دو نفر از عالمان بزرگ خارطوم بنام‌های «عبدالرحمان» و «القرشی» فراهم کردند. او در جوانی، راه زهد در پیش گرفت و به تحصیل علوم دینی و آموزش شاگردان پرداخت. با اقامت در جزیره «لباب»^۴ به سبب پرهیزگاری و تقوایش در بین مردم معروف شد تا آنکه به کسوت درویشی درآمد و توسط استادش «محمد شریف» وارد طریقه سمانیه شد (Fawzi, 1901, pp. 78- 84؛ موقتی،

^۲.Dongola

^۳. یکی از موارد اختلاف بین شیعه و سنی در موضوع مهدویت، اختلاف در پدر حضرت مهدی است. شیعه، با استناد به دلیل‌های فراوان ثابت کرده پدر ایشان، امام حسن عسکری (ع) است؛ در حالی که بیشتر اهل سنت، با بیان برخی روایات در این زمینه، بر این باورند که نام پدر مهدی عبدالله و همنام پدر پیامبر اکرم (ص) است.

^۴.Labab

۱۳۸۴، ص. ۲۴۷؛ موحدیان عطار، ۱۳۸۸، ص. ۳۱۱). در سال ۱۸۷۱م، محمد احمد به جزیره اباه مهاجرت کرد و در آنجا به اوج شهرت رسید. او یک مسجد کوچک و زاویه برای آموزش شاگردانش ساخت و به زودی بر شمار پیروانش افزوده شد (Shuqayr, 1903, p. 114). اما پس از مدتی میان او و استادش شیخ شریف، اختلاف افتاد (ibid, p. 118) و در این اختلاف محمد احمد پیروز شد. همین موضوع نقش مهمی در تثبیت اعتبار او به عنوان یک رهبر دینی داشت. وی پس از جدایی از شیخ شریف، نزد رقیب دینی او شیخ القرشی رفت. این همکاری به او فرصت داد تا به عنوان یک شیخ مستقل ظاهر شود و آزادانه آرای خود را درباره مهدی‌گرایی تبلیغ کند. پس از مرگ شیخ القرشی، پیروانش با محمد احمد بیعت کردند و این نقطه عطفی برای اعلام مهدویت وی بود (Shalaby, 2001, pp. 27-29).

۳-۲-۳. جاذبه‌های ظاهری

قد سودانی متوسط، رنگ چهره‌اش قهوه‌ای و ریشش سیاه بود. بر هریک از گونه‌هایش سه اثر زخم از تیغ‌هایی که در آفریقا «مشالی»^۶ و در مکه «تشریط» می‌نامند، وجود داشت. بعضی معتقدند که این رسم برای جلوگیری از ورم دور چشم معمول بوده و برخی عقیده دارند که فقط مختص زهد و تقواست (دارمستتر، بی‌تا، ص. ۵۹). بینی و دهان او متناسب و پیوسته متبسم بود، چنانکه وقتی دندان‌هایش آشکار می‌شد، بین دو دندان پیشینش فاصله‌ای بشکل هشت بود که نزد سودانیان علامت سعد شمرده می‌شود و این یکی از دلایلی بود که مهدی را نزد زنان محبوب می‌کرد (دارمستتر، بی‌تا، ص. ۲۱۰). همچنین او را، دارای مهر نبوت نیز دانسته‌اند (دارمستتر، بی‌تا، ص. ۵۹). مَه‌ری که گفته شده در وسط کتفین پیامبر اکرم (ص) منقش بود (مجلسی، ۱۳۸۶، ج. ۱۶/ ص. ۱۷۷). از دیگر ویژگی‌های ظاهری محمد احمد، خالی بر گونه راستش بود که وجود این خال را نشانه مهدویت وی می‌دانستند. او جبهه سفید و کوتاهی می‌پوشید که همواره شسته، تمیز و معطر به بوی صندل، مشک و گلاب بود و بین پیروانش به این بو مشهور بود تا جایی که بوی مهدی می‌نامیدند. وی را مردی صبور و بردبار به تصویر کشیده‌اند که با پیروانش به مسالمت و نیکی رفتار می‌کرد به عقیده دارمستتر این یکی از موفق‌ترین روش‌های محمد احمد بود که مردم را به حمایت از او و نشر دعوتش برانگیخت (دارمستتر، بی‌تا، ص. ۲۱۰).

^۵. Abba

^۶. Meshali

۴-۲-۳. همانندسازی اسطوره‌ای

محمد احمد، در سودان به‌عنوان فردی عابد، متصوف، صاحب رؤیا و شنونده الهامات غیبی معروف بود. او با بی‌اعتنایی به ظواهر دینی و بخشش هدایای دریافتی، تصویری زاهدانه و بی‌رغبت به دنیا از خود به نمایش می‌گذاشت، به‌ویژه آنکه مردم را به «اسلام اصیل» فرا می‌خواند (هالت و دالی، ۱۳۶۶: ۱۰۰). علاوه بر این، برای پیشبرد اهدافش به تقلید از نمادهای صدر اسلام روی آورد. از جمله به تأسی از هجرت پیامبر اکرم (ص)، از جزیره ابا به قدیر هجرت کرد (Winggate, 1968, p. 17).^۷ همسرش را «عایشه» خطاب می‌کرد و چهار نفر را به‌عنوان «خلفای راشدین» با همان القاب تعیین کرد. به یکی از دوستانش که شاعر بود، لقب «حسان بن ثابت» داد. البته وقتی شاعر گفت من شجاعم و حسان ترسو بوده است، او را به لقب «خالد بن ولید» مفتخر کرد (تاجری، ۱۳۵۸، ص. ۱۷۲). با الگوبرداری از نظام حکومتی صدر اسلام افرادی را به‌عنوان خزانه‌دار و قاضی کل با لقب «قاضی الاسلام» منصوب کرد (هالت و دالی، ۱۳۶۶، ص. ۹۶). در جریان محاصره خارطوم با نامیدن دشمن به‌عنوان «دجال»، پیروانش را به شهادت و استقامت بیشتری در جنگ تشویق کرد (دارمستتر، بی‌تا، ص. ۷۶). مردم سودان نیز، پیروزی وی بر نیروهای خارجی را که به نظر شکست‌ناپذیر می‌رسیدند، به‌عنوان تأییدی بر ادعای او تلقی می‌کردند. هم‌زمان با ادعای مهدویت او، یک ستاره دنباله‌دار در آسمان ظاهر شد و این باور را در بین مردم تقویت کرد که این نشانه، پرچم حضرت مهدی است که توسط فرشتگان حمل می‌شود. کوه‌بینی و سطحی‌نگری مردم تا حدی به وی فرصت داد که آنان را از ترک سودان منع و از رفتن به سفر حج بازداشت. او مردم را متقاعد کرده بود که زیارت بارگاهش معادل انجام فریضه حج است (عقادی، ۱۳۶۹، ص. ۱۲۵)، تا مبدا پیروانش در تماس با مسلمانان دیگر، در حقانیت او و دعوتش شک کنند. همچنین او از آیاتی از قرآن بهره می‌برد تا پروژه مهدویت خود را تقویت کند. برای مثال، سوره بقره آیه ۲۵۵^۸ را که ناظر بر علم الهی است، در تأیید ادعای خود مبنی بر نامشخص بودن زمان و مکان ظهور مهدی استفاده می‌کرد. این آیه در اصل مرتبط با علم غیب و نبوت است، نه مهدویت. اما وی آن را در جهت اثبات مشروعیت خود به کار می‌برد (المطیری، ۲۰۲۳، ص.

^۷ وی مهاجرت بخاطر دین به استناد کتاب و سنت را واجب دانسته و به پیروانش گفت: «پیامبر به من امر کرده تا برای مسلمانان بنویسم که همراه ما هجرت کنند. این دستور، واجب است و هیچ‌کس حق مخالفت با آن را ندارد (Mahdi, 1969, p. 22).

^۸ «وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ»؛ «به هیچ چیز از علم او جز به آنچه خود خواسته باشد احاطه نمی‌یابند».

(۷۷۷). گفته می‌شود او هنگام سخنرانی، طوری به نظر می‌رسید که گویی با تمام اعضا و جوارحش سخنرانی می‌کرد و با تظاهر به فروتنی، احساسات شنوندگان را برمی‌انگیخت. مثلاً وقتی از جنایات بشر یا نعمت‌های الهی سخن می‌گفت و مردم را به جهاد تشویق می‌کرد، چنان شور و حرارتی در جمع ایجاد می‌شد که همگان را به گریه می‌انداخت (دارمستتر، بی‌تا، ص. ۲۱۰). به نظر می‌رسد؛ از آنجا که سودانی در میان صوفی مذهب‌ان رشد کرده بود، از نشانه‌های ظهور رستاخیز که در آثار ابن عربی آمده است، باخبر بود (al-Qaddāl, 1993, p. 117). همچنین از پیشگویی‌های ابن حجر عسقلانی و سیوطی نیز آگاهی داشت که ازجمله نشانه‌های ظهور، خروج «صاحب سودان» است (عقاد، ۱۳۶۹، ص. ۱۲۳). محمد احمد از این کتاب‌ها در خدمت اهدافش بهره‌برداری می‌کرد، برای مثال، بر اصل و نسب خود تأکید داشت و مدعی بود که از نسل پیامبر اسلام (ص) است: «چنان که شما [پیروان] می‌دانید، من فرستاده خدا هستم ...» (Mahdi, 1969, p. 21). به نظر می‌رسد وی از دین به عنوان ابزاری برای تحقق اهداف سیاسی خود بهره می‌برد. از نظر او، مهدویت به عنوان مفهومی ایدئولوژیک، بهترین مسیر برای رسیدن به قدرت بود و از همین رو لازم می‌دید مهدویت خود را به پیروانش اثبات کند.

۵-۲-۳. طرح دعوی مهدویت

سودانی با ورود به سن چهل سالگی که سن بعثت است، ادعای مهدویت کرد و مدعی شد که از آسمان به زمین آمده که اسلام اصیل را برقرار کند. بر این اساس، داعیانی نزد شیوخ سایر قبایل فرستاد تا خبر دهند که مهدی منتظر است و پیامبر اکرم (ص) از جانب خدا، مهدویت او را بشارت داده است. همچنین گفت به زودی سلطه ترکان به پایان خواهد رسید و اهالی سودان قیام خواهند کرد و خودش هم پس از آنکه مدتی مشخص را در سودان بگذراند، به مکه خواهد رفت تا خود را به شریف مکه بشناساند (دارمستتر، بی‌تا، صص. ۶۲-۶۰). حتی این سخن از او نقل شده که هرکس او را به عنوان مهدی نپذیرد، کافر است (Mahdi, 1969, p. 8؛ موثق، ۱۳۸۴، ص. ۲۶۲). به این ترتیب محمد احمد در ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱م اعلام کرد که «مهدی موعود» است (Shalaby, 2001, p. 32). سپس به طور رسمی با فتوایی، خود را مهدی موعود خواند و مدعی شد که خداوند جانشینی خود و رسولش را به او عطا کرده است (Mahdi, 1969, pp. 23-27).^۹

^۹... «اما بعد فلا یخفی تفسیر الزمن وترک السنن و لا یرضی بذلک ذوالایمان و الفتن بل احق ان یتترک لذلک الوطار و الوطن لاقامه الدین و السنن ... ثم احبائی، کما اراد الله فی ازله قضائیه، تفضل علی عبده الحقیر الذلیل بالخلافه الکبری من الله و

وی پیروانش را به دوری از دنیا و لذت‌های آن تشویق می‌کرد. از جمله اقدامات سودانی در این خصوص؛ لغو القاب و جایگاه‌های رسمی و غیررسمی و ایجاد برابری بین فقرا و ثروتمندان بود. پیروانش موظف بودند لباس واحد و ساده‌ای بپوشند که نشانه زهد آن‌ها باشد. وی مذاهب چهارگانه اهل سنت را متحد کرد و آیاتی از قرآن را برای تلاوت روزانه پس از نمازهای صبح و عصر برگزید. همچنین طریقه وضو گرفتن را آسان‌تر کرد. از دیگر فرامین او منع برگزاری مجالس عروسی پرهزینه و مصرف مشروبات الکلی و خوراکی‌های خاص در این مراسم بود. او مهریه زنان را کاهش داد و برای دختران باکره ده ریال و دو بدله، و برای زنان بیوه پنج ریال و دو بدله تعیین و متخلفان را با مصادره اموال مجازات می‌کرد. ولیمه‌های عروسی را نیز به غذایی ساده از خرما و شیر مختصر کرد تا امکان ازدواج برای افراد کم‌بضاعت فراهم شود. رقص و هرگونه بازی و سرگرمی ممنوع بود و متخلفان شلاق می‌خوردند و اموالشان ضبط می‌شد. حج به مکه و مدینه نیز ممنوع کرد تا پیروانش پراکنده نشوند و تعالیمش که با آموزه‌های رایج مسلمانان متفاوت بود، حفظ شود. مجازات کسانی که در دعوت او تردید و یا نافرمانی از دستوراتش می‌کردند، قطع دست راست و پای چپ بود و برای اثبات این جرم، شهادت دو شاهد یا حتی آگاهی سودانی از طریق وحی کافی بود. در همین راستا و برای تثبیت دعوتش، دستور داد هر کتاب یا نوشته‌ای که با تعالیمش مغایرت داشت سوزانده شود (دارمستتر، بی‌تا، ص. ۲۱۱). بنابراین او در چهل سالگی مدعی مقامی شد که در سه عنوان: امام، جانشین رسول خدا و مهدی موعود انعکاس داشت (هالت و دالی، ۱۳۶۶، ص. ۹۶).

۳-۳. بحران؛ وضعیت سیاسی - اجتماعی سودان

برای فهم عمیق‌تر شکل‌گیری رهبری کاریزماتیک و تجمع افراد حول محور آن، نمی‌توان صرفاً به صفات و ویژگی‌های شخصیتی فرد اکتفا کرد، بلکه باید به بستری وسیع‌تر از عوامل اجتماعی، تاریخی و روان‌شناختی توجه کرد که این فرایند را ممکن می‌سازند. درواقع، شرایط اجتماعی حاکم بر یک جامعه، نقش محوری در شکل‌گیری و تقویت شخصیت کاریزماتیک دارد. یکی از این شرایط مهم، متغیر بحران است. بحران شرایطی را به وجود می‌آورد که از یکسو رهبر توانمند، می‌تواند با طرح راه‌حلی نو و دیدگاه

رسوله...جائنی النبی صلی الله علیه و آله فی یقظه و معه الخلفاء الراشدون و الأقطاب و الخضر علیه السلام! و أمسک ببیدی صلی الله علیه و آله و أجلسنی علی کرسیه و قال لی: انت المهدی المنتظر و أن ترک کفار و هم أشد الناس کفرأ». (شریف القریشی، ۱۹۹۶، ص. ۱۴۰).

جدید، مردم را به سوی خود جذب کند و از سوی دیگر تحولات سیاسی و روانی وضع موجود، مردم را برای پذیرش اقتدار کاریزمایی آماده می‌کند (Weber, 1947, p. 370). به نظر می‌رسد رهیافت بحران در طرح ادعای مهدویت سودانی، هر دو کارکرد را داشته است. درواقع برای چرایی ظهور مهدی در سودان، باید تاریخ و شرایط اجتماعی این کشور به‌ویژه در دو قرن اخیر را بررسی کرد. سودان از زمان ورود اسلام مستعد پذیرش آموزه‌های مهدویت بود و در شرایط نابرابری و تبعیض اجتماعی، مفاهیم مهدویت در این سرزمین به شدت رواج یافت (عرفان، ۱۳۸۸، ص. ۱۴۹). تاریخ جدید سودان از اوایل قرن نوزدهم و زمان حمله محمدعلی پاشا (۱۷۶۹-۱۸۴۹م)، به این سرزمین آغاز می‌شود (موثقی، ۱۳۸۴، ص. ۲۴۳). این سرزمین منابع طبیعی فراوانی ازجمله سرچشمه‌های رود نیل در جنوب، معادن طلای سنار و جمعیت زیاد داشت که به‌منزله منبعی برای سربازگیری محسوب می‌شد. سودان همچنین مکانی مناسب برای گسترش تجارت تجار مصری، به‌ویژه طرفداران ترک‌تبار محمدعلی پاشا بود (المطیری، ۲۰۲۳، ص. ۷۵۶). بنابراین در پی تصرف سودان از سوی حاکمان مصری مالیات‌های سنگینی بر مردم و احشام آن‌ها وضع شد که باعث نارضایتی و شورش‌های متعدد شد (هولت، ۱۹۸۲، ص. ۶۲). تجارت برده، حتی پس از لغو رسمی برده‌داری در سال ۱۸۵۷م، همچنان در مناطق مختلف رونق داشت (لوتسکی، ۲۵۳۶، ص. ۳۷۶). اما این همه ماجرا نبود؛ با ورود استعمار در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم، مصیبت مردم سودان دوچندان شد. پس از اشغال مصر توسط بریتانیا در سال ۱۸۸۱م، نفوذ استعمار در سودان شدت گرفت (همان، ص. ۳۷۷). افرادی چون سرساموئل بیکر (۱۸۹۳-۱۸۲۱م) و جانشین او، ژنرال چالز جورج گوردون (۱۸۸۵-۱۸۳۳م)، نقش مهمی در استقرار حکومت سیاسی و نظامی مصر و پس از آن استعمار در سودان داشتند (موثقی، ۱۳۸۴، ص. ۲۴۴؛ هولت، ۱۹۸۲، ص. ۱۳). ژنرال گوردون، فرمانده بریتانیایی، با گسترش مرزهای مصر در سودان و مناطق اطراف، این سرزمین را تحت سلطه قدرت‌های اروپایی درآورد. در حالی که حکومت اسماعیل پاشا (۱۸۶۳-۱۸۷۹م) رو به افول بود، گوردون در سال ۱۸۷۷م به‌عنوان فردی مسیحی به فرمانداری کل سودان رسید (Shuqyar, 1903, p. 217) و مناطق مختلف سودان را بین همکاران اروپایی‌اش از کشورهای چون ایتالیا، آلمان و اتریش تقسیم کرد تا جایی که این سرزمین به شکلی غیررسمی تحت استعمار اروپا قرار گرفت (موثقی، ۱۳۸۴، ص. ۲۴۶). این وضعیت، شرایط دشواری را برای مردم سودان به وجود آورد؛ زیرا حاکمان خارجی با تحمیل مالیات‌های سنگین و غارت منابع، زندگی مردم را به فلاکت کشاندند. در واکنش به این فشارها، اعتراضات گسترده توسط مردم مسلمان و اقوام بربر با هدف مبارزه با سلطه حاکمان مصری و استعمار اروپایی و اصلاح ساختارهای ظالمانه شکل گرفت که بستر مناسبی برای

ظهور جنبش مهدویت به رهبری محمد احمد، معروف به مهدی سودانی، در سال ۱۸۸۱م شد.

۳-۴. افول کاریزمای مهدی سودانی

مرگ رهبر کاریزماتیک به‌طور معمول به افول سریع و چشمگیر سلطه کاریزما منجر می‌شود. این پدیده را «بحران جانشینی» می‌نامند (فولادیان و جلالی پور، ۱۳۹۵، ص. ۷۷). پس از مرگ رهبر کاریزماتیک، پیروان معمولاً با چالش بزرگ یافتن جانشینی مواجه می‌شوند که بتواند کاریزمای رهبر سابق را داشته باشد. در بسیاری موارد، جانشینان قادر به حفظ سطح بالای کاریزما نبوده و در نتیجه، جنبش یا سازمان دچار فروپاشی یا تضعیف می‌شود. جنبش مهدی سودانی نیز از این قاعده مستثنی نبود. وی در مدت تقریباً چهار سال توانست موفقیت‌های زیادی به‌دست آورد. به‌طوریکه تمامی مناطق سودان به جز چند منطقه کوچک را تحت کنترل خود درآورد. پس از فتح خارطوم و بازگشت نیروهای انگلیسی به مصر، اعتماد مردم به دعوت مهدی بیشتر شد، زیرا هر عملیاتی را آغاز می‌کرد موفق می‌شد و هر شهری را محاصره می‌کرد، فتح می‌نمود. از سوی دیگر در بازگشت نیروهای انگلیسی از خارطوم مشکلات زیادی برای آن‌ها به وجود آمد و پیروان محمد احمد به یقین رسیدند که مهدی براساس وحی الهی عمل می‌کند و به زودی کل سودان را فتح خواهد کرد و جهان زیر سلطه او در خواهد آمد. اگرچه خود مهدی چنین انتظاراتی نداشت و فقط می‌گفت که نخواهد مُرد مگر آنکه حرمین و بیت‌المقدس را فتح کرده باشد و در کوفه بمیرد. ولی پیش‌بینی او محقق نشد و عمر رهبری او طولانی نبود. پس از تصرف خارطوم، پنج ماه در پایتخت خود (ام درمان) ماند و سرانجام در ژوئن ۱۸۸۵م (مصادف با رمضان ۱۳۰۲ ق) بر اثر بیماری ناگهانی و تب شدید درگذشت (هولت، ۱۹۸۲، ص. ۹۸).

سودانی آرزوی بازگشت به اسلام ناب و شرایط عصر پیامبر اکرم (ص) را داشت. به همین دلیل پیروانش را هم‌ردیف یاران رسول خدا (ص) می‌دانست. او به تقلید از صدر اسلام، القاب خلفای راشدین را به چهار فرمانده خود بخشید: عبدالله بن محمد لقب خلیفه الصدیق (ابوبکر)، علی بن محمد هیلو لقب خلیفه الفاروق (عمر)، محمد شریف بن حمید لقب خلیفه الکرار (علی ع)، و مهدی سنوسی لقب عثمان که البته سنوسی این لقب را نپذیرفت (هولت، ۱۳۶۶، ص. ۱۰۵).

۳-۵. جانشینی مهدی سودانی

ماکس وبر عمدتاً عوامل اقتصادی را دلیل عادی و روزمره شدن «فره» می‌داند. وقتی ویژگی استثنایی و

شگفت‌انگیز «فره» به حالت عادی و روزمره تبدیل شود، به منبع قابل‌قبولی برای مشروعیت بخشیدن به حکومت جانشینان رهبر فرهمند بدل می‌گردد (وبر، ۱۳۸۲، ص. ۲۹۷). از این رو یکی از روش‌های رفع بحران موضوع جانشینی رهبر کاریزماتیک، معرفی جانشین توسط او و پذیرش آن از سوی پیروانش است. زمانی که مهدی بر اثر بیماری در بستر مرگ افتاد، خلفای سه‌گانه و فرماندهان خاصش جمع شدند. او که پایان عمرش را نزدیک می‌دید، با صدایی آرام به اطرافیان گفت که پیامبر خدا (ص)، عبدالله بن محمد را به جانشینی من برگزیده است؛ او از من است و من از او. بنابراین همان‌گونه که به من وفادار بودید، به او نیز وفادار باشید. پس از وفات مهدی، مردم با عبدالله بیعت کردند و او را «خلیفه‌المهدی» خواندند، اما عبدالله ویژگی‌ها و توانایی‌های مهدی را نداشت و نتوانست دو خلیفه دیگر را با خود همراه کند. به همین دلیل، اختلاف و درگیری میان درویشان شکل گرفت و نتیجه سال‌ها تلاش و اقدامات محمد احمد، به سرعت نابود شد و حکومت مهدیون در سودان برچیده شد (دارمستتر، بی تا، ص. ۲۱۲).

۴. نتیجه

به اتفاق نظر منابع تاریخی، در دوره‌های بحرانی، انتظار برای ظهور نجات‌بخشی که رهایی و آرامش را بازگرداند، در میان مردم افزایش می‌یابد. این درحالی است که زمینه‌ساز چنین ادعایی علاوه بر کاریزمای فرد منجی، می‌تواند با شرایط اجتماعی و فشارهای بیرونی نیز مرتبط باشد.

مهدی سودانی به عنوان مؤسس مهدیون با استفاده از نفوذ شخصی و فضای نابسامان زمانه و جایگاه معنوی خود که از تصوف نشئت گرفته بود، نقش منجی را ایفا کرد. وی از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری که می‌تواند مشخصات یک فرد کاریزما باشد برخوردار بود. ویژگی‌هایی همچون انتسابش به خاندان نبوت، پیشینه مذهبی و تقوا، جاذبه‌های ظاهری، دشمن‌ستیزی و در آخر مبارزه علنی علیه ظلم و ستم استعمارگران غربی و حاکمان ترک و مصری برای او در بین مردم مصیبت‌زده سودان چنان جاذبه و اعتباری خاص ایجاد کرد که زمینه‌ساز شکل‌گیری شخصیت کاریزماتیک او شد. او با نمادسازی و تبلیغات در بین پیروانش موفق به تثبیت و تداوم چهره‌ای کاریزمایی از خود شد که روز به روز بر مشروعیتش می‌افزود. مردم نیز به دلیل شباهت مفهومی میان تصوف و منجی‌گرایی و قیام علیه ظلم و ستم حکام داخلی و استعمارگران خارجی دعوت او را پذیرفتند. وی با تکیه بر این حمایت و با استناد به نشانه‌ها، قیام خود را شکل داد و نهایتاً با شکست نیروهای خارجی، حکومتی مستقل بنیان نهاد. اما سرانجام با آنکه جاذبه کاریزماتیک سودانی سبب دگرگونی در باورها و رفتار پیروانش شده بود، پس از درگذشتش، فرایند معمولی و عادی شدن کاریزما

آغاز شد. تلاش‌های جان‌شنینانش نیز برای تداوم بخشیدن به مشروعیت کاریزما پی‌ثمر ماند و در نهایت، روند عادی شدن فره ادامه یافت تا آنکه به افول انجامید.

منابع

- المطیری، ف.م. (۲۰۲۳). الجوانب السیاسیة للحركة المهدیة فی السودان. مجله الادب، کلیه الادب، جامعه ذمار، ۱۱، ۴، ۷۵۲-۷۸۵.
- آشوری، د. (۱۳۵۸). درآمدی به جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسان سیاسی. تهران: مروارید.
- بندیکس، ر. (۱۳۸۲). سیمای فکری ماکس وبر. ترجمه م. رامبد. تهران: هرمس.
- ترنر، ب. (۱۳۷۹). ماکس وبر و اسلام. ترجمه س. وصالی. تهران: مرکز.
- جلالی پور، م.، فولادیان، ح.ر. (۱۳۸۷). شرایط شکل‌گیری یا افول رهبری کاریزماتیک. پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۳(۴)، ۷-۳۸.
- حر عاملی، م. (۱۴۲۵ ق). اثبات الهادیة بالنصوص والمعجزات. بیروت: مؤسسه الاعلمی المطبوعات.
- دارمستر، ج. (بی‌تا). مهدی. ترجمه م. جهانسوز. تهران: کتابفروشی ادب.
- شریف القریشی، ب. (۱۹۹۶م). حیاة الامام المهدی. بیروت: ابن المؤلف.
- عابدی جعفری، ح. (۱۳۷۳). جاذبه استثنایی، تحول مفهوم‌ها و مصادق‌ها. مصباح، ۱۱، ۱۳۵-۱۵۰.
- عرفان، ا.م. (۱۳۸۸). بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدیت و گرایش مردم به آنان. فصلنامه انتظار موعود، ۳۰، ۱۴۵-۱۷۴.
- عقداد، ع.م. (۱۳۶۹). اسلام در قرن بیستم. ترجمه ح. ر. آذیر. مشهد: آستان قدس رضوی.
- فولادیان، م.، و جلالی پور، ح.ر. (۱۳۹۵). مقایسه سلطه فره‌مندانه و سلطه کاریزماتیک با اتکا به آرای وبر: ایضاح یک خلط مفهومی. مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۱(۳)، ۵۳-۸۸.
- کاظمی راد، ر.، و مقری، ا. (۱۳۹۴). خاستگاه پیدایش جنبش منجی‌گرایانه مهدی سودانی. پژوهش‌های مهدوی، ۴(۱۵)، ۵-۲۳.
- لوتسکی، و. (۲۵۳۶ شاهنشاهی). تاریخ عرب در قرون جدید. ترجمه پ. بابایی. تهران: چاپار.
- مارتین، ب. ج. (۱۳۶۵). گسترش اسلام در آفریقا. ترجمه م. صادقی برزلیقی. نشریه رشد آموزش جغرافیا، ۱، ۲۴-۳۰.
- مجلسی، م. (۱۳۸۶). بحار الانوار. تهران: چاپ دارالکتب الاسلامیه.

- موثقی، ا. (۱۳۸۴). جنبش‌های اسلامی معاصر. تهران: سمت.
- موحدیان عطار، ع و همکاران. (۱۳۸۸). گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- وبر، م. (۱۳۸۲). دین، قدرت، جامعه. ترجمه ا. تدین. تهران: هرمس.
- هاشمی نسب، س. س. (۱۳۹۰). تصوف در شمال آفریقا. فصل‌نامه پژوهش‌های منطقه‌ای، ۶، ۵۳-۱۰۰.
- هالت، پ.، دالی، ا.د. (۱۳۶۶). تاریخ سودان بعد از اسلام. ترجمه م.ت. اکبری. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- هولت، پ.م. (۱۹۸۲م). *دولة المهديه في السودان عهد الخليفة عبدالله*. بیروت: دارالجبل.
- Al-Qaddāl. (1993). *Tārīkh al-Sūdān al-ḥadīth. 1820-1955*. Cairo: s.n.
- Clarke, J. H. (1961). Mohammed Ahmed, (The Mahdi) Messiah of the Sudan. *The Journal of Negro Education*, 30(2), 156- 162.
- Fawzi, Ibrahim Pasha. (1901). *Al-Sudan ben ydee Gordon wa Kitchener*, Cairo, Jaredat al-Mu'ed.
- Holt, P. M. (1958). *The Mahdist State in the Sudan, 1881-1898*, Oxford: Oxford University Press.
- Holt, P. M. (1963). *A Modern History of the Sudan*, New York: Frederick A. Praeger.
- Holt, P. M. (1970). *The Mahdist state in the Sudan 1881-1889 A study of its origins, development and overthrow*. 2. ed. Oxford: Clarendon.
- Kapteijns, L. (1985). Mahdist Faith and the Legitimation of Popular Revolt in Western Sudan, *Africa: Journal of the International African Institute*, 55(4), 390-399.
- Mahdi, Mohammed Ahmed. (1969). *Manshurat al-Mahdi*, (edited by M. Ibrahim). Beirut.
- Shalaby, A. (2001). *Al-Usoul al-Fikryya le Harakt al-Mahdi al-Sudani wa da'wath*, Cairo. Matabt al-Adab.
- Shuqayr, N. (1903). *Ta'rikh Al-Sudah, The History and Geography of the Sudan*, Matb'at al- Ma'arf.
- Voll, J. (1979). The Sudanese Mahdi: Frontier Fundamentalist, *International Journal of Middle East Studies*, 10, (2), 145- 166.
- Vries Reinout, E. D., & Robert, A., R. & Tharsi C.B. Taillieu. (1999). *On charisma and need for leadership*, European journal of work and organizational psychology.
- Weber, M. (1947). *Essays in sociology*, (Edited by H.H. Gerth & C.W.Mills), Oxford: Oxford University Press.
- Winggate, F. R. (1968). *Mahdism and the Egyptian Sudan*, London: Frank Cass.
- Willner, A. R. (1984). *The spellbinders: "Charismatic political leadership"*, New Haven, CT: Yale University Press.

Mahdi Sudani: A study based on Weber's charismatic leadership theory and discourse analysis

Raheleh Mohammad Bagher*

Department of Islamic Studies, Farhangian University, Tehran, Iran

Abstract:

Muhammad Ahmad ibn ‘Abd Allah, known as the Sudanese Mahdi, in 1881 CE, claimed the title of *Mahdi* by sending letters to the notables and tribal leaders of Sudan, thus emerging as the leader of the Mahdist movement. His movement combined Sufi teachings and orders with political and social orientations. Drawing upon his personal attributes as both a religious leader and a political activist, he transformed the values of his followers and fostered their alignment with him. By employing fiery speeches, promises of liberation to the masses, and hope for a better future, he paved the way for the proclamation of Mahdism in Sudan. The primary focus of this study is to explain the personality of the Sudanese Mahdi within the framework of Max Weber’s theory of charismatic leadership. In addition to his personal characteristics, the social and political crises in Sudan may also have facilitated the emergence of a charismatic leader espousing a Mahdist ideology. The findings of this research indicate that, through his personal qualities, specific actions, engagement with the current of Mahdism, and the introduction of a new discourse aimed at resolving the prevailing political and social crises—culminating in the selection of caliphs and successors after him—he can be regarded as a charismatic leader in the formation of the Mahdist movement. Given the sociological orientation of the article, the research methodology is descriptive-analytical, based on Weber’s theory of charisma, and relies on primary historical sources as well as library-based data.

Keywords: Mahdi Sudani, Sudan, Mahdism, Charisma, Max Weber

* Email: mohamadbagher@cfu.ac.ir